

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۴۴)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... تحریم برای چه؟
- ۶..... چشم‌انداز دیپلماسی ایران - آمریکا
- ۹..... ایران طرح روسیه را بررسی می‌کند
- ۱۳..... استاکس‌نت عصر جدیدی از جنگ سایبر را آغاز کرد
- ۲۰..... گزارش صندوق بین‌المللی پول درباره ایران: خیانت به غرب
- ۲۴..... منافقین با پول قصد خروج از لیست گروه‌های تروریستی را دارند
- ۳۱..... بازبینی بهار عربی
- ۳۴..... جنگ پنهانی ایران با اسرائیل در دریای خزر
- ۳۶..... ایران با حمایت از اسد، حیثیت منطقه‌ای خود را به خطر می‌اندازد
- ۳۹..... ایران چگونه اسد را در قدرت نگاه می‌دارد؟
- ۴۰..... تلاش‌های آمریکا برای حمایت از دمکراسی در مصر بسیاری را ناراحت کرده است
- ۴۳..... آمریکای لاتین؛ سکوی پرش ایران به حیات خلوت آمریکا
- ۵۱..... وزیر خارجه روسیه به آمریکا سفر می‌کند، اما مشکلات همچنان پنهان هستند

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۵۳

دفتر: مطالعات سیاسی

مهرماه ۱۳۹۰



عنوان: تحریم برای چه؟^۱

نویسنده: پال پیلار

منبع: National Interest^۲

بررسی تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه درخصوص دولت‌های کنونی حاکم در خاورمیانه، در محافل آکادمیک و در میان کارشناسان سیاسی و اقتصادی درحال گسترش است. در این میان، اگرچه اعمال تحریم‌ها علیه ایران همواره موضوع مورد علاقه این کارشناسان برای بحث در این زمینه بوده است، اما وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی به‌خصوص استفاده سوریه از نیروی نظامی برای سرکوب تظاهرات‌کنندگان و اعمال تحریم‌هایی علیه این کشور به بحث‌های بیشتری در زمینه تحریم‌ها دامن زده است. از این رو، اقتصاددانان و کارشناسان علوم سیاسی هم‌اکنون مجموعه قابل توجهی از ادبیات علمی در مورد تحریم‌ها و اینکه چرا در بعضی مواقع مؤثر بوده و در دیگر موارد مؤثر نبوده‌اند تولید کرده‌اند. در این میان، برخی از استدلال‌های موافقان انتخاب گزینه تحریم با شواهد موجود در این زمینه منطبق بوده و برخی دیگر چنین نبوده است. بنابراین، خواندن اکثر این مطالب یک سؤال بنیادی‌تری را طرح می‌کند و آن این است که ما می‌خواهیم چه چیزی را از اعمال تحریم‌ها به‌دست آوریم؟

اولین هدف محتمل، برای انتخاب گزینه تحریم علیه یک کشور، تأثیرگذاری بر

ماهنامه کاوش (۴۴)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به‌دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری، پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۴۴ کاوش، مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادهای اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

1. Paul Pillar, "Sanctions for What?" National Interest, August, 2011.

۲. از نشریات وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.



رفتار رژیم سیاسی آن است. در واقع ما دولتی را که برخلاف میل ما عمل می‌کند تنبیه می‌کنیم تا از این طریق مشوق‌هایی را برای تغییر رفتار اعتراض‌آمیزش فراهم آوریم. این هدفی است که در قالب ادبیات مربوط به تحریم ذکر شده است.

هدف دوم از اعمال تحریم علیه یک کشور، تضعیف کشور مورد تحریم است. با تحمیل مشکلات و مشقت برای عموم مردم و عناصری از رژیم که حمایتشان برای حیات رژیم ضروری است، امیدواریم که احتمال سرنگونی رژیم را افزایش دهیم.

هدف سوم از تحمل تحریم علیه یک کشور می‌تواند محدود کردن رژیم حاکم در آن کشور باشد. در واقع ما با ایجاد مانع برای گردش امکانات مهم و یا منابع مالی آن امید داریم که آن رژیم با سختی بیشتری در انجام اقداماتی که مورد اعتراض است روبرو شود - حتی اگر که آن رژیم تحت تأثیر تحریم‌ها سرنگون نشود و یا سیاست‌ها و اهدافش را تغییر ندهد - بنابراین هرکدام از این اهداف ممکن است هدفی مقبول در اعمال تحریم‌ها باشد، ولی این اهداف با یکدیگر متفاوت هستند. براساس این برای اعمال تحریم علیه یک کشور و موفقیت این سیاست باید به موارد زیر توجه کرد.

گام اول در اعمال تحریم‌ها باید مشخص کردن دقیق هدفی باشد که باید در نتیجه تحریم‌ها حاصل شود و مسلماً مسئله بنیادی‌تر از آن ارزیابی این موضوع است که آیا حصول این اهداف در خدمت منافع ملی آمریکا می‌باشد؟ گام دوم این است که نوع خاصی از تحریم‌ها که بهتر اثر می‌کند - بسته به هدف تحریم - تعیین شود برای مثال تحریم‌هایی که با هدف محدود کردن توانایی کشوری در ساخت سلاح اتمی وضع می‌شود باید عمدتاً با تحریم‌هایی که هدف‌های دیگری را دنبال می‌کنند، متفاوت باشند.

این درحالی است که اکثر نظراتی که اهمیت تحریم‌ها را علیه کشور خاصی تبلیغ می‌کنند، هیچ تلاشی برای مشخص کردن هدف آن نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، پاتریک کلاوسون از مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک در یک تحلیل در مورد تحریم ایران به جزئیات اقتصادی زیادی پرداخته و ارزیابی او پر از اعداد و ارقام درخصوص یارانه‌ها، قیمت‌های نفت و از این دست آمار است. وی به‌وسیله آمار مزبور از این نظر دفاع می‌کند که ایران شکننده است و غرب باید با تمام قدرت به تحریم آن کشور ادامه دهد. با این وجود، تفسیر وی به هیچ‌وجه روشن نمی‌کند که آیا هدف از اعمال تحریم علیه ایران این است که بر تصمیم‌های رژیم اثر گذاریم، شانسی فروپاشی آن را افزایش دهیم، یا رژیم را درخصوص سلاح‌های هسته‌ای و یا هر موضوع دیگر مستقیماً محدود کنیم. براساس این، بسیاری از مطالبی که در مورد تحریم‌ها گفته می‌شود، زمانی که از سطح جزئیات اقتصادی عبور می‌کنیم، به این ختم می‌شود که رژیم X بد است و باید بر آن فشار آورد، اما هدف از تحریم و نوع آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد ازسوی دیگر هدف دیگری را که می‌توان از تحریم‌ها برشمرد این است که احساس خوبی در دل آنهایی به‌وجود آورد که می‌خواهند علیه رژیم‌های مورد تحریم اقدام کنند. در این زمینه زمانی که موضوع بر سر سیاست و منافع ملی است، داشتن چنین هدفی مشروع نیست.

هدف دیگر اعمال تحریم‌ها که به‌ویژه اعضای کنگره به دنبال آن هستند، وانمود کردن و ژست گرفتن به‌منظور راضی نگه داشتن کسانی است که به دنبال کسب رضایتشان هستند. علاوه‌بر این هنوز یک هدف نامشروع دیگر نیز در مورد فلسفه اعمال تحریم‌ها وجود دارد که احتمالاً در اکثر اظهارنظرها در مورد تحریم ایران یافت



می‌شود. آن هدف هم این است که پس از اعمال تحریم‌ها می‌توان گفت که تحریم‌ها مؤثر نبوده و باید به راه دیگری به‌خصوص نیروی نظامی رجوع کرد. آنهایی که با چنین هدفی حرکت می‌کنند، هیچ انگیزه‌ای برای اینکه در مورد اهداف ظاهری خود در مورد ضرورت و هدف اعمال تحریم‌ها روشن باشند، ندارند. در واقع منفعت آنها در این است که مبهم باشند. این به آنها اجازه می‌دهد که از انعطاف بیشتری برخوردار باشند که در آینده بتوانند ادعا کنند که تحریم‌ها مؤثر واقع نشده‌اند.

عنوان: چشم‌انداز دیپلماسی ایران - آمریکا^۱

نویسنده: جفری کمپ

منبع: United States Institute of Peace^۲

نویسنده به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه پیشرفت‌هایی در تلاش‌های دیپلماتیک در سال جاری در مورد ایران حاصل خواهد شد؟ وی در پاسخ به این سؤال معتقد است شانس کمی وجود دارد که در مذاکرات با ایران در طول سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ پیشرفت عمده‌ای ایجاد شود. به اعتقاد نویسنده، سه مانع عمده از این روند جلوگیری می‌کنند:

۱. بحران سیاسی داخلی ایران، درگیری شدیدی را برای کسب قدرت میان ارکان نظام به راه انداخته است.

۲. در آمریکا مبارزات انتخاباتی آغاز خواهد شد. کلیه کاندیداهای جمهوریخواه به غیر از ران پاول در طول مبارزاتشان در پاییز ۲۰۱۱ و ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۲ مخالف اعطای هرگونه امتیازی به ایران خواهند بود. در واقع احتمالاً آنها به اوباما فشار زیادی وارد می‌آورند تا او را از طریق برقراری تحریم‌های جدید، انزوای بیشتر ایران، ایراد سخنرانی حول و حوش حمله نظامی (اگرچه انجام حمله نظامی همزمان با بحران اقتصادی محتمل نیست) به مقابله جدی‌تر با رژیم ایران وادار کنند.

۳. به دلیل سیالیت حرکت‌های منطقه‌ای، هرگونه موافقتی بین ایران و آمریکا به

1. Geoffrey Kemp, "Prospects for U.S.-Iran Diplomacy", United States Institute of Peace, August, 2011.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



رویدادهای کشورهای کلیدی چون افغانستان، پاکستان، عراق، مصر و سوریه بستگی دارد. به عنوان مثال اگر رژیم اسد در سوریه کنترلش را از دست دهد، این خبر بدی برای ایران و حزب الله است. در چنان شرایطی آمریکا نیروهای مخالف اسد را حمایت خواهد کرد. از طرف دیگر اگر روابط حسنه‌ای بین مصر و ایران ایجاد شود، امکان دارد تفاهمی بین آمریکا و ایران برقرار شود، به شرط اینکه از طرف اسرائیل نیز حمایت شود. در این صورت باید کلیه جناح‌بندی‌های داخلی اسرائیل درباره ایران را مد نظر قرار داد.

سؤال دیگری که مطرح می‌شود آن است که چگونه تشدید تحریم‌های اقتصادی و حقوق بشری علیه ایران، مذاکرات آینده را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ در صورت عدم درگیری نظامی، برقراری تحریم‌ها تنها راهی است که آمریکا و هم‌پیمانان کلیدیش در اروپا دنبال خواهند کرد. آثار تحریم‌ها به‌ویژه در محدود کردن توانایی ایران برای جذب سرمایه و اختصاص آن به بخش انرژی قابل توجه بوده است. در عین حال اثر تشدید تحریم‌ها بستگی به فضای کلی اقتصادی در جهان دارد. اگر دنیا وارد دومین فاز رکود اقتصادی شود، احتمالاً قیمت نفت سقوط خواهد کرد. این وضعیت فشار بیشتری به رژیم ایران وارد خواهد کرد زیرا میزان درآمد نفت برای پرداخت یارانه به طبقات پایین جامعه ایران مهم است. در چنین شرایطی تشدید تحریم‌ها برای رژیم ایران مشکل‌آفرین خواهد بود. با وجود این، اگرچه تحریم‌ها به ضرر اقتصاد ایران هستند، لکن نمی‌توانند در برنامه‌های هسته‌ای این کشور خللی به وجود آورند. کشورهای فقیرتر از ایران چون پاکستان و چین با منابع کمتر، به تسلیحات هسته‌ای مجهز شده‌اند. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که از زمان تحولات

اخیر در منطقه و خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی، مسئله حقوق بشر در دنیای اسلام شفافیت بیشتری یافته است، احتمالاً ایران با توجه به وضعیت همسایگانش نخواهد توانست جلوی رسیدگی به کارنامه مربوط به نقض حقوق بشر خود را بگیرد. این موضوع از جمله مواردی است که احزاب سیاسی آمریکا و بسیاری از اروپاییان موافقت کرده‌اند که باید بر آن به شدت تأکید ورزند. لذا شروع دادوستد جدی با ایران بدون در نظر گرفتن مسائل حقوق بشر دیگر واقعی به نظر نمی‌رسد.



عنوان: ایران طرح روسیه را بررسی می‌کند^۱

نویسنده: کاوه افراسیابی

منبع: Asia Times^۲

پس از اندکی تردید، ایران تصمیم گرفته است رویکرد مثبتی را در قبال پیشنهاد جدید گام به گام روسیه بپذیرد. طرح مشهور به طرح لاوروف پس از آن به این نام مشهور شد که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه عملگرای روسیه آن را توسط نماینده‌ای ویژه به ایران ارائه کرد و مورد استقبال وزارت امور خارجه ایران واقع شد.

بنا بر گزارشات دریافتی از ایران، طرح لاوروف از ایران می‌خواهد همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را گسترش دهد و سناریویی را ترسیم می‌کند که براساس آن برای هر گام جدی ایران در جهت حل یک مسئله باقی مانده با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، یک اقدام متقابل در جهت تخفیف تحریم‌ها و دیگر مجازات‌های اعمال شده بر ایران انجام گیرد. به عبارت دیگر، این طرح از جامعه بین‌المللی می‌خواهد امتیازاتی محدود نظیر متوقف کردن برخی تحریم‌ها را برای هر گامی که ایران در جهت برآوردن درخواست‌ها مبنی بر توضیح نیت هسته‌ای‌اش برمی‌دارد، برای این کشور لحاظ کند. آمریکا در برابر ابتکار روسیه تاکنون واکنشی نشان نداده است که منعکس‌کننده شکاف رو به گسترش بین مسکو و واشنگتن باشد این درحالی است که دو کشور با یکدیگر درباره امنیت، حقوق بشر در روسیه، حوادث لیبی و برخی دیگر از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی اختلاف نظر دارند. مسکو از

1. Kaveh L Afrasiabi, "Iran explores Russia's plan," Asia Times, 29 July, 2011

۲. آسیا تایمز از نشریات معتبر بین‌الملل است.

تحریم‌های اخیر غرب علیه ایران انتقاد کرده است و برخلاف رویکرد آمریکا به بررسی راه‌هایی برای ازسرگیری مذاکرات چندجانبه با ایران تمایل بیشتری دارد.

ابتکار لاوروف گمانه‌زنی‌هایی در ایران درباره انگیزه‌های واقعی روسیه ایجاد کرده است در این میان، برخی تحلیلگران آن را به نیت روسیه برای ربودن رهبری دیپلماسی منطقه‌ای از ترکیه و ایفای نقش جدی‌تری در حل بحران‌های منطقه‌ای نسبت داده‌اند. برخی دیگر از تحلیلگران ایرانی ظنین هستند که این خدعه دیگری از جانب روسیه برای چانه‌زنی با آمریکا بر سر ایران باشد - همان‌طور که در گذشته با تغییر نظر مسکو درباره فروش سیستم‌های پیشرفته دفاع موشکی اس - ۳۰۰ به ایران رخ داد که همچنان عاملی برای ناخرسندی از کرملین است - این درحالی است که دقیقاً ماه گذشته بود که رسانه‌های روسی به نقل از لاوروف بر انگیزه‌های منع اشاعه در ایران تأکید کردند. لاوروف در تاریخ ۱۵ ژوئن اظهار داشت که رئیس‌جمهور ایران یک بار دیگر اعلام کرد که قصد به دست آوردن تسلیحات هسته‌ای را ندارد.

بدیهی است که روسیه درباره آنچه تهدید هسته‌ای ایران خوانده می‌شود، در همان سمتی که آمریکا قرار دارد، قرار نمی‌گیرد. همزمانی تسلیم طرح لاوروف با ادعاهای اخیر سازمان مجاهدین خلق در مورد برنامه هسته‌ای ایران خود به تنهایی نشانگر کراهت آمریکا در قبال هرگونه ابتکار جدی برای پایان دادن به مسئله هسته‌ای ایران است. دولت آمریکا در آستانه حذف نام این سازمان از فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داشته و لذا با وجود آن که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا تأکید کرد که ابتکار روسیه را بررسی می‌کند، اما همزمان تلاش کرد که ایران را تا جای ممکن بد جلوه دهد تا واکنش واقعی‌اش را با توسل به مجاهدین خلق برای تشدید



نگرانی‌های عمومی درباره برنامه هسته‌ای ایران منعکس کند؟

یک سؤال مهم دیگر این است که آیا سیاستگذاران در ایران قصدی جدی برای بررسی امتیازات بیشتر به منظور پایان دادن به تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را دارند؟ نشانه‌های عمیق تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر ایران را می‌توان در گزارش فایننشال تایمز مشاهده کرد که به بدهی پنج میلیارد دلاری هند و بدهی ۳۰ میلیارد دلاری چین به ایران از آن نمونه است. استراتژی غرب برای قطع درآمد نفتی و گازی ایران که بخشی از آن با کمک دولت عربستان و دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس برای گرفتن جای ایران در تأمین انرژی هند صورت می‌گیرد، بخش مهمی از جنگ نرم با ایران با هدف تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی است. بخش دیگر جنگ نرم علیه ایران، تضعیف سوریه به عنوان مهمترین متحد عرب ایران است که اکنون درگیر ناآرامی‌های اجتماعی داخلی است. در نتیجه واشنگتن از پیشرفت استراتژی ضدایرانی‌اش خرسند است و امیدوار است که بتواند روسیه و چین را برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی وارد جبهه تحریم‌ها علیه ایران کند، اما با توجه به تلاش‌های کنونی مسکو برای دمیدن نفس تازه به گفتگوهای ایران و پنج کشور آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین که نشان‌دهنده بی‌اعتمادی عمیق این کشور به سیاست کلی آمریکا در قبال ایران است، ممکن است همه این مسائل تنها خیالی خام باشند. علاوه بر این با دیپلماسی مناسب ایران، طرح لاوروف می‌تواند شکاف جدیدی را میان آمریکا و متحدان غربی‌اش از یکسو و روسیه و چین از سوی دیگر باعث شود. این درحالی است که روسیه و چین نگران تشدید تهدیدها علیه ایران - به عنوان متحد مهم منطقه‌ای که از موقعیت ناظر در گروه امنیت سازمان همکاری شانگهای برخوردار است و نقش

مهمی را در راستای محدود کردن نفوذ رو به گسترش قدرت آمریکا در اورآسیا و فراتر از آن ایفا می‌کند - هستند.

در این شرایط، توان آمریکا برای به چالش کشیدن قدرت ایران می‌تواند به معنای یک ضرر ژئوپلیتیک برای روسیه و چین باشد که عملاً ضربه‌ای بلندمدت برای این دو کشور و به ویژه چین - با توجه به نبود امنیت انرژی در این کشور - خواهد بود. بنابراین بهتر است واشنگتن سیاست‌های واقع‌گرایانه‌ای را دنبال کند که از شانس موفقیت در رابطه با ایران برخوردار باشد حتی اگر سیاست‌ها در قالب طرح‌هایی توسط قدرت‌های دیگری مثل روسیه مطرح شوند. لذا آمریکا نیاز به پیگیری ایده دیگر قدرت‌ها دارد و در این میان، طرح لاوروف نمونه‌ای از آن طرح‌ها به حساب می‌آید.



عنوان: استاکسنت عصر جدیدی از جنگ سایبر را آغاز کرد^۱

نویسنده: هولگر استارک

منبع: Der Spiegel^۲

ویروس رایانه‌ای استاکسنت که چند ماه پیش به تأسیسات اتمی ایران حمله‌ور شد به‌عنوان نخستین سلاح دیجیتالی، فصل نوینی از جنگ سایبری را در جهان رقم زد. استاکسنت، یک ویروس رایانه‌ای است که قابلیت نفوذ از رایانه‌های فوق‌العاده ایمن را دارد که (اتفاقاً) به شبکه اینترنت نیز متصل نیستند. هرچند پیش‌تر این اعتقاد وجود داشت که نفوذ مجازی، امری غیرممکن است، اما حدود یک سال پیش یعنی ژوئن سال ۲۰۱۰ بود که این نفوذ و رسوخ وارد عرصه سیاست جهانی نیز شد. در آن تاریخ، ویروس استاکسنت، وارد تأسیسات اتمی نطنز ایران شد؛ سایتی که دانشمندان ایرانی در آن مشغول غنی‌سازی اورانیم هستند. استاکسنت با ورود و تأثیرگذاری بر دستگاه‌های سانتریفیوژ فعال در نطنز، آنها را از درون ویران و غیرفعال کرد. این حمله نفوذ به قلب برنامه اتمی ایران بود. استاکسنت، نخستین سلاح سایبری ژئوپلیتیک دنیاست. به گفته فرانک ریگر از سازمان باشگاه رایانه‌های آشفته که یک سازمان شناخته شده هکری در آلمان است: استاکسنت، در واقع یک مخفیگاه‌شکن دیجیتالی است که قابلیت نفوذ به زرادخانه‌های تسلیحات مدرن را داراست. این حمله نظامی با استفاده از یک برنامه رایانه‌ای، به‌طور هدفمند صورت گرفت.

1. Holger Stark, Stuxnet Virus Opens New Era of Cyber War, Der Spiegel, 12 August, 2011.

۲. از نشریات معتبر آلمانی در حوزه سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل است.

برای اطلاع از آنکه چه کسانی در پشت ویروس استاکسنت قرار دارند به اسرائیل؛ رژیم‌هایی که مبدع سلاح سایبری است، سفر کردیم. شعبه اسرائیل شرکت امنیت یارانه (و شبکه‌های یارانه‌ای) سایمنتک آمریکا در یک مجتمع مدرن در تل‌آویو واقع است که تا فرودگاه بین‌المللی بن‌گورین این شهر تنها ۱۵ دقیقه فاصله دارد. سام آنجل، رئیس شعبه سایمنتک اسرائیل، مسئولیت راهنمایی و انتقال بازدیدکنندگان به سالن کنفرانس که در طبقه چهارم این ساختمان قرار دارد، برعهده داشت. وی در آغاز معرفی برنامه‌هایش گفت: استاکسنت، پیچیده‌ترین حمله‌ای است که ما تاکنون شاهدش بوده‌ایم. وی با بیان اینکه این نوع حمله، حمله‌ای غیرمعمول است به نقشه‌ای که بر روی دیوار قرار داشت، اشاره و خاطرنشان کرد: در حال حاضر کشورهایی که تحت تأثیر این حمله قرار گرفته‌اند، ایران، اندونزی، مالزی و بلاروس هستند. آنجل آنگاه سرگی یولاسین را که در مرکز تحقیق و توسعه امنیت یارانه‌ای ویروس بلوک آدای شهر مینسک، پایتخت بلاروس مشغول است، پدیدآورنده و عامل فعال‌سازی بدافزار استاکسنت معرفی و به نقل از وی تصریح کرد: در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰ یک نامه الکترونیک نسبتاً معمولی از یک شرکت ایرانی دریافت کردم که از خاموش و سپس روشن شدن خود به خودی و عجیب رایانه‌های خود شکایت داشت. یولاسین و یک همکار دیگر وی، یک هفته تمام بر روی کامپیوترهای این شرکت کار کردند و آنها را مورد بررسی قرار دادند.

سرمایه‌گذاران این بدافزار چنان برنامه‌ریزی کرده بودند که این ویروس در گام نخست با ارتباط با دو سرور دستور و کنترل، رایانه مرحله هفتم (غنی‌سازی) را آلوده کند. این برنامه‌ریزی صنعتی که از سوی گروه شرکت‌های مهندسی زیمنس



آلمان انجام شده است، وارد هفتمین مرحله فعالیت سانتریفیوژهای تأسیسات اتمی نطنز ایران می‌شد. مجموعه (اتمی) نزدیک (شهر) نطنز که در ۲۵۰ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد از یک سطح امنیتی نظامی برخوردار است. سانتریفیوژهای آلومینیم مستقر در این تأسیسات در مخفیگاه‌هایی که یک متروهشتاد سانتیمتر ارتفاع و ده سانتیمتر ضخامت دارند، نگهداری می‌شوند. هدف از راه‌اندازی این مرکز، افزایش ایزوتوپ‌های شکافت‌پذیر از اورانوم ۲۳۵ است. در درون هر سانتریفیوژ، پروانه یا آرمیچری قرار دارد که با سرعت یک هزار بار در ثانیه می‌چرخد. در این فرایند با غنی‌سازی گاز هگزافلوراید اورانیم، اورانیم ۲۳۵ در مرکز (سانتریفیوژ) جمع‌آوری و انباشته می‌شود. این فرایند که با سامانه‌های زمینس کنترل می‌شود به واسطه سیستم عامل ویندوز شرکت مایکروسافت به اجرا درمی‌آید. ترفندی، حمله این ویروس را ممکن می‌کند که هرچند خلاقانه، اما در عین حال ساده است. در واقع استاکس‌نت با استفاده از یک حفره امنیتی در ویندوز، امکان نفوذ به این سیستم‌عامل را می‌یابد. به بیانی گویاتر در نتیجه اشتباه در برنامه‌ریزی است که به‌طور مثال ویروس پیش‌گفته از طریق یک درگاه (پورت) خروجی موسوم به یواس‌بی، خود را به سیستم معرفی می‌کند و سپس به آن وارد می‌شود. چون به مجرد آنکه این پورت به رایانه‌ای از یک سیستم (شبکه‌ای) متصل شود، عملیات نصب (ویروس) به‌طور پنهانی آغاز می‌شود. البته استاکس‌نت در بدو ورود خود به یک سیستم، وجود و تشخیص برنامه‌های ضدویروس را در دستور کارش قرار می‌دهد. به همین منظور در برنامه این ویروس، کدی فریب‌دهنده طراحی شده که یکی از ویژگی‌هایش باقی نگذاشتن هیچ نام و نشانی از خود است.

به اعتقاد سام آنجل، مدیر شرکت سایمنتک، بدون شناخت کامل از سیستم‌های رایانه‌های سایمنتک نمی‌توان کدی مشابه استاکس‌نت نوشت. وی با بیان اینکه هیچ بازار سیاهی برای سوءاستفاده از نرم‌افزارهای صنعتی زمینس وجود ندارد، اظهار داشت: علت آن است که از این نوع نرم‌افزارها به‌طور گسترده استفاده نمی‌شود.

با این حال سؤالی که در اینجا جای طرح دارد آن است که سازمان موساد چطور توانسته است به اطلاعات مربوط به فناوری رایانه‌ای مورد استفاده در تأسیسات اتمی نطنز دسترسی یابد؟ یک گمانه‌زنی آشکار از کمک آمریکا به سازمان موساد اسرائیل حکایت دارد. در ایالت آیداهوی آمریکا یک مرکز تحقیقات دولتی وجود دارد که دانشمندان و پژوهشگرانش درخصوص فناوری‌های کنترلرگ زمینس که در ایران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، مشغول مطالعه و تحقیق هستند. به‌نظر می‌رسد تحقیقات پایه و بنیادین در این مؤسسه انجام شده و بعد از آن بوده است که ویروس استاکس‌نت در مرکز تحقیقات اسرائیل در نزدیکی سایتی در بیابان نقب اسرائیل مورد آزمایش قرار گرفته است.

همین منابع کارشناسی در اسرائیل همچنین ادعا می‌کنند موساد در تلاشی ناموفق به دنبال خرید یک آبشار سانتریفیوژ در بازار سیاه بوده است، اما آنچه مهم است آن است که یک سازنده اسرائیلی در نهایت با کمک آژانس‌های جاسوسی خارجی از قرار معلوم توانست مدلی از (آبشارهای نصب شده در) نطنز را که استاکس‌نت در آنجا آزمایش شد، بسازد. هولگر اشتارک با یادآوری اینکه این عملیات صرفاً اسرائیلی در تابستان سال ۲۰۰۹ میلادی شروع شد، ابراز داشت: مهاجمان در ساعت چهاروسی‌ویک دقیقه بعد از ظهر ۲۲ ژوئن آن سال بود که ویروس



استاکسنت را آزاد کردند. هدف این حمله رایانه‌ای، پنج سازمان ایرانی بود که اصطلاحاً در سه موج، طراحی و برنامه‌ریزی شده بود. بعد از به راه افتادن نخستین موج بود که دومین حمله در مارس سال ۲۰۱۰ رخ داد که البته با یک موج سنگین بر ضد ایران همراه بود. اشپیگل با اشاره به اینکه موج سوم این حمله نیز در آوریل ۲۰۱۰ اتفاق افتاد، نوشت: به گفته کارشناسان شرکت سایمنتک: این اهداف، به‌طور مستقیم مربوط به برنامه اتمی ایران نبودند. در واقع برخی از سازمان‌های هدف این ویروس در زمره تحریم‌های سازمان ملل قرار داشتند. تنها در پنج سازمان (ایرانی) از این دست، دوازده هزار رایانه آسیب دیدند. استاکسنت طوری طراحی شده بود که به‌منظور جلوگیری از گسترش آلودگی و جلب‌نظرهای فوری، پس از آلودگی مرحله سوم، خود را از درگاه ورودی یواس‌بی حذف کند.

نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام شده از سوی آژانس جاسوسی و اطلاعات اروپا با طبقه‌بندی سری که به رؤیت هفته‌نامه آلمانی اشپیگل نیز رسید نشان داد احتمالاً برای توسعه ویروس استاکسنت، یک برنامه‌نویس، دستکم سه سال با یک هزینه چند ده میلیونی به‌کارگیری شده است. در همین حال شرکت سایمنتک نیز به سهم خود معتقد است فقط انجام آزمون‌ها و تست‌های لازم در تأسیسات شبیه‌سازی شده (اتمی) به پنج تا ده برنامه‌نویس به مدت ۶ ماه نیاز داشته‌اند.

ویروس استاکسنت، نگاه جهان را به حملات دیجیتالی به‌طور اساسی و بنیادین تغییر داد. دولت آمریکا به تازگی، دکترین جدیدی را درخصوص جنگ سایبری تعریف کرده است که یک حمله سایبری را به‌عنوان یک جنگ متعارف قلمداد می‌کند. روبرتا استمپفالی از اداره امنیت داخلی آمریکا هفته گذشته درخصوص کد

استاکسنت که اکنون برای همگان، هویدا شده است، هشدار داد: این امکان وجود دارد که برخی برنامه‌نویسان و هکرهای مقلد و دنباله‌رو بتوانند از این ویروس (برای خرابکاری‌های بعدی‌شان) الهام گیرند.

دان مریدور، معاون نخست‌وزیر اسرائیل در فوریه گذشته در این‌باره گفت: جنگ سایبری، امروز از مناقشه میان ملت‌ها مهمتر شده است. در واقع این نزاع، میدان نبرد جدیدی است که ابزار مبارزه در آن به‌جای تفنگ و اسلحه، چیز دیگری است. سازمان موساد، فعال‌سازی ویروس استاکسنت را موفقیت بزرگی برای خود می‌پندارد و حتی آن را با رمزگشایی ماشین رمز آلمان‌ها که لهستانی‌ها و انگلیسی‌ها در جنگ جهانی دوم انجام دادند، مقایسه می‌کند، البته ارتش اسرائیل چندان از این موفقیت، راضی و خشنود نیست. چون این‌طور برای خود استدلال می‌کند که توسعه این بدافزار به‌رغم کندی و تعللی که مسیر (هسته‌ای شدن) رژیم ایران ایجاد کرد، اما هزینه زیادی برای اسرائیل در پی داشت. با این حال این کندی، وقفه‌ای دردآور (برای ایرانی‌ها) به‌شمار رفت.

مشاهده می‌کنیم که مئیر داگان، رئیس سابق سازمان موساد اسرائیل در هدف خود که ایجاد خرابکاری در برنامه اتمی ایران آن هم بدون به راه افتادن جنگی جدید در منطقه خاورمیانه بود، موفق شد. با این حال ایران هنوز هشت هزار دستگاه سانتریفیوژ دیگر در اختیار دارد و حتی سانتریفیوژهای پیشرفته نسل دوم آی‌آرتوی ایران که با پروانه‌های فیبرکربنی مجهز شده‌اند به‌راحتی توان چرخش یک هزار و چهارصد بار در ثانیه را دارا هستند. این سانتریفیوژها تحت تأثیر نسخه موجود نرم‌افزار خرابکار (استاکسنت) قرار می‌گیرند. به همین علت احتمالاً سازمان موساد اسرائیل به‌زودی باید به دنبال توسعه ویروس جدیدی (برای سانتریفیوژهای نسل



جدید ایرانی) باشد. استفاده از یک ویروس جدید دیگر به معنای شکل‌گیری دور جدیدی از یک جنگ سایبری سری خواهد بود به نقل از دو جوان اسرائیلی که به‌طور غیرمستقیم برای دولت این رژیم کار می‌کنند. حمله دیجیتال و نه حمله دفاعی، شیوه آنهاست.

عنوان: گزارش صندوق بین‌المللی پول درباره ایران: خیانت به غرب^۱

نویسنده: Ilan Berman

منبع: The Washington Times^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی بازتاب ارزیابی مثبت صندوق بین‌المللی پول از وضعیت اقتصادی ایران پرداخته و تلاش می‌کند تا با نادرست خواندن گزارش این نهاد بین‌المللی در مورد شرایط اقتصادی ایران، به نقد آن بپردازد. براین اساس، نویسنده در ابتدای مقاله تأکید می‌کند که شرایط اقتصادی ایران با تورم لجام‌گسیخته، نرخ مزمن بیکاری و فقر گسترده، تصویری از سلامت اقتصادی را برای هیچ‌کس تداعی نمی‌کند. بنابراین وقتی صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود ارزیابی مثبتی را درباره ایران منتشر کرد، با تعجب و واکنش بسیاری مواجه شد. در گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران به دلیل اصلاحات یارانه‌ای از مواد خوراکی تا انرژی و... و انجام اصلاحات ساختاری در سیستم اقتصاد رانتیر خود مورد تحسین و تمجید قرار گرفته و چنین تلاش‌هایی را فرصتی یگانه برای اصلاحات اقتصادی بنیادین دانسته که رشد اقتصادی و توسعه را با سرعت هرچه بیشتری به دنبال خواهد داشت. این گزارش در نشریات معتبر مورد توجه قرار گرفته و انعکاس وسیعی یافته است. نتیجه این مسئله، رضایت مقامات ایرانی را نیز به دنبال داشته است که در ماه‌های اخیر تلاش‌های دوچندانی به خرج داده‌اند تا به دنیا اثبات کنند که با وجود فشار روزافزون از سوی غرب و افزایش

1. Ilan Berman, IMF betrays West with mullahs' malarkey, The Washington Times, 26 August, 2011.

۲. از روزنامه‌های آمریکایی دست راستی که تحلیل‌های آن بیشتر مبتنی بر اخبار پنهان است.



هزینه مربوط به برنامه اتمی، این کشور همچنان به فعالیت‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد. نویسنده در ادامه مقاله با اشاره به سابقه سیاست حذف یارانه‌ها تأکید می‌کند که دلیل خوبی وجود دارد که درست برعکس این را فرض کنیم: در خلال سه سال گذشته، دولت ایران در تلاش خود برای زدودن اقتصاد رانتی و ایجاد اقتصادی رقابتی‌تر، گام‌های جدی را برای حذف یارانه‌های گزاف اقتصادی در بودجه خود برداشته است. این اقدام که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد تاکنون برای حکومت ۶۸ میلیون دلار پس‌انداز به‌همراه آورده است که به‌گونه‌ای دیگر می‌توانسته به‌طور مصنوعی صرف پایین آوردن هزینه‌های اولیه زندگی مردم شود. ناگفته روشن است که نسخه شوک‌درمانی ویژه ایران، آثار زیانباری دستکم در کوتاه‌مدت دارد. بدون جبران دولت، هزینه بنزین، نان و اقلام پایه دیگر افزایشی صعودی دارد و تورم به بیش از ۱۵ درصد رسیده که به نسبت یک سال پیش دو برابر شده است. به هر حال مقامات ایران می‌گویند که چنین نوساناتی کوتاه‌مدت است و نه تنها قیمت‌ها که هم تورم با گذر زمان پایین خواهد آمد. نویسنده در ادامه مدعی است که چنین چیزی به اعداد و ارقام بستگی دارد. مطابق چنین شیوه‌ای صندوق بین‌المللی پول، اساس بررسی‌های خود را بر داده‌های گلچین شده‌ای بنا می‌نهد که دولت‌ها از جمله ایران در اختیارش می‌گذارند. در نتیجه، این سازمان ارزش صوری را در نظر گرفته که بی‌نهایت خوش‌بینانه است؛ اما پیش‌بینی رسمی دولتی که براساس آن رشد اقتصادی خوش‌بینانه دولتی بر ناکارآمدی‌های دستگاه اقتصادی فائق می‌آید رونق بلندمدت را برای ایران اگر نگوئیم غیرممکن، دستکم دشوار خواهد کرد. با این همه، شمار اندکی از کارشناسان بر این باورند که آمار و ارقامی که صندوق بین‌المللی پول بر آنها تکیه دارد، عمیقاً مشکوک به

نظر می‌رسند، زیرا آماری که در ایران ساخته می‌شوند دیگر هیچ کارآیی ندارند و اقتصاددانان غربی نیز به همین ترتیب به ارقام مشکوکند و نتیجه‌گیری‌های خوش‌بینانه صندوق بین‌المللی پول را به پیشرفت حسابداری خلاقانه ایران نسبت می‌دهند. از سوی دیگر، مسئله‌ای که دستکم گرفته شده و همچنین کتمان شده این است که بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که درآمد ناشی از صادرات نفت و گاز طبیعی، هنوز اصلی‌ترین منبع درآمد مالی ایران را تشکیل می‌دهد. براساس تازه‌ترین برآورد اداره انرژی آمریکا، نفت خام و مشتقات نفتی نزدیک ۸۰ درصد از صادرات خارجی ایران و بیش از نیمی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر اقتصاد ایران همچنان تک‌محصولی بوده که صادرات انرژی آن، دشمن قسم خورده فرصت‌های اقتصادی است و شاید حتی ثبات داخلی‌اش را نیز به همین ترتیب نابود می‌کند و این همچنین بدان معناست که کاهش قیمت کنونی جهانی نفت - که اکنون در نقطه بالایی است - ایران را به سرگیجه و سقوط اقتصادی وا می‌دارد و امید حکومت به زدودن آثار منفی و بی‌ثباتی ناشی از برنامه یارانه‌ها را با دلسردی روبرو می‌کند. در شرایط دیگر، چنین بحثی به معنای چیزی بیش از دریچه‌ای به روی سیاست‌ناکارآمد اقتصادی ایران است. نویسنده در پایان تأکید می‌کند که آگاهی از اقتصاد واقعی ایران مسئله بسیار مهمی است زیرا آگاهی از سلامت مالی ایران برای غرب از آن رو مهم است که بدانند با برنامه اتمی‌اش چه می‌خواهد بکند. به بیان ساده‌تر، آمریکا و دیگر هم‌پیمانانش ناامیدانه در پی دریافتن آن هستند که فشار کنونی اقتصادی بر ایران تا چه اندازه اثربخش بوده و می‌خواهند بدانند که از کدام مجرا فشار اقتصادی بر ایران اثرگذارتر است و در این شرایط، لطف صندوق بین‌المللی پول



به ایران، متأسفانه کشف چنین مطلبی را کمی دشوارتر کرده است.

عنوان: منافقین با پول قصد خروج از لیست گروه‌های تروریستی را دارند^۱

نویسنده: اسکات پیترسون

منبع: The Christian Science Monitor^۲

این گزارش به بررسی اقدامات منافقین برای خروج از لیست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه آمریکا پرداخته و گوشه‌ای از سیاست‌های آنان را که از طریق اعطای کمک‌های مالی به حامیان خود از میان مقامات سیاسی و نظامی آمریکایی صورت می‌گیرد را آشکار ساخته است. براین اساس، نویسنده در ابتدای این گزارش تأکید می‌کند که سازمان مجاهدین خلق از طریق تعدادی از مقامات عالی‌رتبه اسبق آمریکا در تلاش هستند که نام گروه ایرانی را که دارای سابقه‌ای ضدآمریکایی است، از لیست تروریست‌ها در آمریکا خارج سازند. تصمیم‌گیری در این مورد سالیانه توسط وزیر خارجه آمریکا اتخاذ می‌گردد. در این حال تنی چند از ژنرال‌های چهار ستاره اسبق آمریکا، مقامات امنیتی، فرماندهان و رؤسای سیاسی ارشد این کشور از دولت خواسته‌اند که نام مجاهدین خلق ایران را از لیست تروریستی که شامل القاعده و حزب‌الله است، حذف کند. بسیاری از این مقامات عالی‌رتبه آمریکا که از طیف‌های مختلف سیاسی هستند برای تبلیغ مجاهدین خلق ده‌ها هزار دلار پول دریافت کرده‌اند. آنان به ندرت از خشونت‌های اعمال شده توسط سازمان مجاهدین خلق و سابقه ضدآمریکایی آن صحبت کرده و این گروه را نه به‌عنوان تروریست، بلکه به‌عنوان

1. Scott Peterson, Iranian Group's Big-Money Push to Get off US Terrorist list, The Christian Science Monitor, 8 August, 2011.

۲. کریستین ساینس مانیتور از نشریات معتبر بین‌المللی است.



رزمندگان آزادی معرفی کرده که آماده هستند به عنوان پیشتازان تغییرات در ایران، به خدمت درآیند. برخی از این افراد اعتراف می‌کنند که قبل از آنکه دعوت به سخنرانی شوند، با این گروه آشنا نبوده و تنها از طریق مطالبی که حامیان این سازمان به آنها یاد داده‌اند، در جریان قرار گرفته‌اند. در این شرایط ممکن است تلاش‌های اعضای مجاهدین خلق در نهایت به نتیجه برسد. با توجه به میلیون‌ها دلاری که در این زمینه خرج شده، فشارهای سیاسی برای حذف نام سازمان مجاهدین خلق از لیست تروریست‌های خارجی در سطوح بالا افزایش یافته است. اگرچه در سابقه این سازمان، ترور چند نفر از مشاورین نظامی آمریکا و حمله به دیپلمات‌های آمریکا مشاهده می‌شود. نام این سازمان جزء اولین گروه‌هایی بود که در لیست مزبور در سال ۱۹۹۷ ثبت شد.

صاحب‌نظران مسائل ایران معتقدند خروج نام این سازمان از این لیست، می‌تواند به نفع رژیم ایران بوده و بهانه‌ای برای سرکوب معترضین به دست آنها بدهد. بدون شک وزارت امور خارجه آمریکا مؤلفه‌های متعددی را خواهد سنجید. مثلاً چگونه این تصمیم‌گیری در انظار عموم مؤثر بوده و یا چگونه بر اعتبار استراتژیک آمریکا تأثیر می‌گذارد. برخی نیز معتقدند حذف نام مجاهدین خلق، قدرت نرم آمریکا در ایران را به شدت کاهش داده، به پیشرفت دمکراتیک ایران ضربه وارد می‌آورد. در سال‌های اخیر در دعوای حقوقی در انگلیس و اتحادیه اروپا نام سازمان مجاهدین خلق از لیست تروریستی خارج شده است. هم‌اکنون تصمیم‌گیری در این مورد در آمریکا حتمی است. دادگاه استیناف فدرال در واشنگتن در سال گذشته وزارت امور خارجه این کشور را به دلیل آنکه حق این گروه را برای اعتراض به اسناد اطلاعات

غیرمحرمانه‌ای را که در محکومیت آنها استفاده شده نادیده گرفته بود، محکوم کرد. تنفر آمریکا از سازمان مجاهدین خلق به چهل سال پیش باز می‌گردد، هنگامی که این سازمان در دهه ۱۹۶۰ با ایدئولوژی مارکسیست - اسلامی و ضدآمریکایی پایه‌گذاری شد. مبارزات مسلحانه خشونت‌آمیز از بدو کار مورد تجلیل قرار گرفت. این گروه حداقل ۶ نفر از مشاورین نظامی آمریکا و شهروندان آمریکایی مقیم ایران را در دهه ۱۹۷۰ ترور کرد؛ از انقلاب اسلامی و اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۹ حمایت نمود؛ همچنین از هرگونه معامله‌ای با آمریکا به عنوان شیطان بزرگ که جهان را تهدید می‌کند و دشمن اصلی است جلوگیری کرد.

در اسناد دولت آمریکا این سازمان به‌طور مکرر به عنوان سازمانی فرقه‌مانند - که براساس سال‌ها آموزش ایدئولوژیکی ایجاد گردیده و اعضای آن به عنوان افرادی که شستشوی مغزی داده شده‌اند - خطاب شده‌اند. سازمان مجاهدین خلق برای مدت طولانی اتهام فرقه‌ای بودن را رد کرده و به‌طور دائم منتقدان خود را مزدوران ایران نامیده است. براساس جدول‌بندی مؤسسه رند و به نقل از سازمان مجاهدین خلق، این سازمان در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ مسئولیت انجام ۳۵۰ فقره حمله را پذیرفته و لکن در سال ۲۰۰۱ خشونت را محکوم کرده است. برای سالیان بعد هیچ‌گونه حمله‌ای از این سازمان مشاهده نشده است - به غیر از گزارش اف‌بی‌ای در سال ۲۰۰۴ که این گروه را هم‌اکنون به فعالیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات تروریستی متهم کرده است - طبق گزارش اف‌بی‌ای و براساس شنوهای تلفنی که از پایگاه‌های سازمان مجاهدین خلق با مرکز آن واقع در عراق، فرانسه و لوس‌آنجلس انجام گرفته، در مکالمات در رابطه با برخی عملیات تروریستی مانند بمبگذاری صحبت شده است. این گزارش با



شنودهای تلفنی مرکز امنیتی فرانسه و پلیس آلمان نیز تأیید می‌شوند. با وجود این به اعتقاد نویسنده تعداد رو به تزاید آمریکاییان تبلیغاتچی سازمان بر این باورند گروه‌های افراطی می‌توانند تغییر کنند. به‌عنوان مثال گروه شین‌فین ایرلند شمالی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین قبل از آنکه به‌عنوان نیروهای سیاسی با نفوذ درآیند، از خشونت استفاده می‌کردند. و در این میان به اعتقاد آنان، سازمان مجاهدین خلق از این نمونه است.

نویسنده معتقد است حذف عنوان تروریستی برای سازمان مجاهدین خلق اساسی است، زیرا به تقویت مشروعیت این سازمان می‌انجامد. همچنین می‌تواند علناً در آمریکا به جمع‌آوری پول بپردازند. این سازمان در گذشته با به‌کارگیری تکنیک‌های فریب‌آمیز موجب گردید که افبی‌ای تحقیقی در مورد شبکه‌های قاچاق، جعل سند و کلاهبرداری انجام داده و در نتیجه ده‌ها نفر از اعضای سازمان به زندان افتادند. گروهی از مقامات اسبق آمریکا از ماه دسامبر تاکنون در سخنرانی‌های متعددی، لقب تروریستی برای سازمان مجاهدین خلق را حذف کردند. در بیش از ده‌ها نشست در واشنگتن و اروپا از دسامبر تاکنون اینان مطرح نموده که این گروه می‌تواند به‌عنوان راه سوم مردمی بین گفتگوی شکست خورده با ایران و راه حل نظامی، موره بهره‌برداری قرار گیرند.

یکی از مقامات وزارت خارجه به کریستین ساینس مانیفور گفته است که هیچگاه به فکر نمی‌رسید که القاعده و حماس بتوانند این میزان حمایت را برای خود جلب کنند، لکن سازمان مجاهدین خلق توانسته‌اند سالن‌های کنگره را به تسخیر خود درآورند. اگر مقایسه کنید این موقعیت را با جایگاه هر گروه تروریستی دیگر، نمی‌توانید یک سازمان

هم بیابید. برخی چون ژنرال هیو شلتون، رئیس اسبق ستاد مشترک ارتش که در ماه گذشته اعلام کردند که سازمان مجاهدین خلق، اطلاعات باارزشی را در طول جنگ با عراق در اختیار آمریکا قرار داد. لکن مقامات فعلی آمریکا علناً با این نظریه مخالفت کرده و گزارش مؤسسه رند در سال ۲۰۰۹ نیز حاکی از آن است که سازمان سیا در تشویق برخی از اعضای سازمان مجاهدین خلق برای ترک گروه و دادن اطلاعات در رابطه با ایران به آمریکا موفق نبود. ازسوی دیگر، این گروه غالباً به دلیل افشای تأسیسات غنی‌سازی اورانیم در نطنز در سال ۲۰۰۲ امتیاز می‌گیرد، لکن صاحب‌نظران به‌شدت معتقدند که برای اولین بار اسرائیل به این اطلاعات دست یافته و سپس از طریق سازمان مجاهدین خلق اعلام شده است. وزارت امور خارجه آمریکا در اسناد ارائه شده به دادگاهی در اکتبر ۲۰۰۹ تأکید کرد که بازرسان سازمان ملل متحد بر این باورند که بیشتر اطلاعاتی که از سازمان مجاهدین خلق در رابطه با برنامه هسته‌ای دریافت کرده دارای مقاصد سیاسی بوده و نادرست هستند.

اما سابقه سازمان مجاهدین خلق به شک و تردید در بین صاحب‌نظران ایران و گزارشات منتشره توسط دولت آمریکا افزوده است که آیا این سازمان می‌تواند بعد از ده‌ها خشونت‌طلبی، ماهیت خود را تغییر دهد؟ سازمان مجاهدین تنها گروهی بود که به ترور آمریکاییان دست زد. یکی از سرودهای سازمان بیانگر این احساسات ضدآمریکایی است: «آمریکاییان خارج شوید، خون شما هم‌اکنون بر روی زمین می‌ریزد». سازمان مجاهدین خلق در مبارزه قدرت پس از انقلاب بازنده شد و هزاران نفر از اعضای آن کشته شدند. سازمان در نقطه اوج خود سه نفر را در هر روز ترور می‌کرد. تبلیغات آن عمدتاً شامل روش‌های ترور کردن بود. سازمان، مسئولیت کشتار هزاران نفر ایرانی را



که به‌عنوان عامل رژیم معرفی می‌کرد، پذیرفته است. همچنین سازمان مجاهدین خلق عملیات متعددی در خارج ایران انجام داده است. از جمله در سال ۱۹۸۲ ساختمان دفتر حفاظت منافع ایران را اشغال کرد و ۹ نفر را به گروگان گرفت و ۵۰۰ هزار دلار آسیب رساند. در سال ۱۹۹۲ در یک روز به‌طور همزمان، سازمان به ۱۲ مرکز دیپلماتیک ایران واقع در ده کشور جهان حمله کرد. براساس گزارشات خبری نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد واقع در نیویورک توسط پنج نفر مسلح به چاقو اشغال شد و سه نفر گروگان گرفته شدند و دو ساعت به تخریب در پشت درهای زنجیر شده پرداختند. همچنین ۵۵ نفر با چماق و چکش به سفارت اتاوا حمله کرده و آن را غارت کردند.

کن پولاک یکی از تحلیلگران سابق سیا و دبیر شورای امنیت ملی برای امور خلیج فارس در کتاب خود به‌نام معمای ایران نوشته است که سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۹۸۱ از ایران و سپس از فرانسه بیرون رانده شد. این سازمان در سال ۱۹۸۶ در عراق به‌عنوان بخش کاملی از رژیم صدام حسین شروع به کار کرد. در واقع صدام آنها را مسلح کرد، پول داد و در آخرین مرحله از جنگ ایران و عراق به مأموریت داخل ایران اعزام کرد. آنها به مخلوقات رژیم عراق تبدیل شده بودند تا جایی که آنها به او کمک کردند که شیعیان و کردها را در قیام ۱۹۹۱ که مورد حمایت کاخ سفید بود، سرکوب کند و درست به همین دلیل است که امروزه دولت عراق به رهبری شیعیان نسبت به سازمان مجاهدین خلق خصومت دارد. سازمان مجاهدین خلق اتهام شرکت در جنگ‌ها به دستور صدام را غالباً رد کرده است. آنها مدعی هستند که تنها در نبردهایی حضور داشته که مستقل از رژیم دیکتاتوری عراق بوده است با این وجود، مطالب پولاک براساس منابع متعدد مستقل تأیید شده‌اند.

نویسنده در ادامه با اشاره به پرداخت رشوه از سوی سازمان برای تبلیغ به نفع آن

در آمریکا تأکید می‌کند که منبع پرداخت‌کننده وجوه مالی برای این مبارزات تبلیغاتی جهت اعاده حیثیت از سازمان مجاهدین خلق حتی برای مقامات آمریکایی نیز مشخص نیست. نشریه کریستین ساینس مانیتور با بیش از ۱۲ سخنران دنبال کرد و گزارشات خبری و بیانیه‌های مقامات را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که چندین گروه ایرانی - آمریکایی که بعضی از آنها در گذشته با سازمان مجاهدین خلق ارتباط داشته و همه در فعالیت‌های سازمان دخیل بوده‌اند، از این برنامه‌ها حمایت مالی می‌کنند. علاوه بر تشکیل جلسات متعدد در هتل‌های مجلل و مراکز مختلف در پاریس، بروکسل و برلین، این مبارزات تبلیغاتی شامل چاپ آگهی‌هایی یک‌صفحه‌ای در روزنامه نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست بوده که هریک ممکن است ۱۷۵ هزار دلار هزینه دربرداشته باشند. همه آنها خواهان خارج کردن نام سازمان مجاهدین خلق از لیست گروه‌های تروریستی و حفاظت از اردوگاه اشرف است. برای سخنرانان مراسم سازمان مجاهدین خلق، اولویت نخست وضعیت اردوگاه اشرف و حفاظت ۳۴۰۰ نفر از ساکنین آن است که پس از سال‌ها آموزش نظامی در دوره صدام حسین، خلع سلاح شده و فرماندهان آمریکایی به آنها قول حفاظت داده‌اند. این اردوگاه که قرار است تا آخر امسال تعطیل گردد، به دلیل محدودیت دسترسی به تلفن، اینترنت و تلویزیون ماهواره‌ای، ارتباطش با جهان خارج قطع شده است. مقامات آمریکا تلاش می‌کنند که سازمان مجاهدین را متقاعد سازند تا به‌طور موقت به مکان دیگری در عراق - قبل از آنکه متلاشی گردند - انتقال یابند. از این طریق شاید بتوانند در زمره آوارگان سازمان ملل درآمده و در مکان دیگری مستقر گردند.



عنوان: بازبینی بهار عربی^۱

نویسنده: جورج فریدمن

منبع: Stratfor^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی انقلاب‌های خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته و رویکرد مسلط رایج در غرب در مورد این انقلاب‌ها را مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. به اعتقاد این نویسنده، با گذشت حدود ۶ ماه از آغاز این انقلاب‌ها در منطقه، هم‌اکنون می‌توان به ارزیابی تصورات و سیاست‌های غرب در مورد این انقلاب‌ها پرداخت. در این میان، تصور رایج در غرب در مورد این انقلاب‌ها این است که تحولات اخیر در خاورمیانه، شورش سیاسی اکثریت توده‌های مردم در این کشورهاست که مورد حمایت همه مردم بوده و به ایجاد رژیم‌های دمکراتیک و لیبرال منجر خواهد شد. در این زمینه نویسنده تأکید می‌کند که این تصور که در مرکز استراتژی غرب در قبال انقلاب‌ها بوده است اگر نادرست باشد تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده خواهد داشت.

در ادامه گزارش، نویسنده به ارزیابی سه تصور مسلط غرب در مورد انقلاب‌ها پرداخته است. اول اینکه این رژیم‌ها غیرمحبوب بوده و مشروعیت سیاسی را در میان مردمشان ندارند. دوم این مسئله که انقلاب و تغییر رژیم‌ها خواست کلیه مردم در کشورهای درحال انقلاب است و تصور رایج سوم اینکه این انقلاب‌ها متوقف نخواهند شد و تا سرنگونی رژیم‌ها و تغییر محیط بازی در خاورمیانه پیش خواهند رفت.

1. George Friedman, "Re-Examining the Arab Spring, Stratfor", 15 August, 2011.

۲. «استراتفور» از مراکز مهم بین‌المللی است که به بررسی مسائل سیاست بین‌الملل می‌پردازد.

همچنین این ذهنیت که رسانه‌های جمعی نقش مهمی در تحولات اخیر در خاورمیانه دارند نیز به یک باور مسلم در غرب تبدیل شده است. نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که این تصورات تنها با نگاهی خوش‌بینانه و وهم‌آلود از شرایط منطقه قابل قبول است این درحالی است که اولاً تحولات کلیه کشورها را نمی‌توان به صورت واحدی مورد ارزیابی قرار داد و آنچه در لیبی یا بحرین یا سوریه می‌گذرد هرگز با تحولات مصر و تونس و... یکسان نیست و در برخی کشورها این انقلاب‌ها به تغییر رژیم، در مواردی به تغییر صرف نخبگان حاکم و رهبران این کشورها و در مواردی به جنگ داخلی منجر شده است. به علاوه که تصور غرب در مورد شرایط سیاسی و اجتماعی این کشورها نیز در مواردی نادرست است مثلاً در سوریه این تصور که رژیم اسد یک رژیم غیرمشروع و ضعیف است که با افزایش فشارها ساقط می‌شود نادرست است زیرا که اگرچه نظام کنونی حاکم بر سوریه اقلیتی علوی هستند، اما نظامیان این کشور که از میان علویون و اهل سنت هستند و از این نظام در گذشته بسیار منتفع شده‌اند و هیچ راه بازگشتی جز تداوم حمایت از این رژیم را ندارند، سرسختانه و به شدت از حکومت حمایت می‌کنند. همچنین در بحرین که با مداخله عربستان، رژیم این کشور باقی مانده نیز شرایط با سایر کشورها متفاوت است. ثانیاً شرایط سیاسی این کشورها نشان می‌دهد که سرنگونی رژیم‌های کنونی به ایجاد نظام‌های دمکراتیک و لیبرال منجر نمی‌شود. این به این معنا نیست که افراد و جریانات لیبرال در این کشورها وجود ندارند، بلکه آنان به آن اندازه قدرتمند نیستند که سبب سقوط نظام‌های کنونی و سپس ایجاد رژیم‌های جدید شوند.

بر این مبنا، نویسنده در پایان گزارش تصریح می‌کند که در این شرایط، حمایت



غرب در قالب حمایت از حقوق بشر از این انقلاب‌ها با این تصور که این انقلاب‌ها به سقوط رژیم‌های حاکم و استقرار نظام‌های لیبرال و دمکراتیک منجر می‌شود، می‌تواند مشکلات ژئوپلیتیکی را برای غرب به‌وجود آورد و شرایطی مانند آنچه در هنگام سقوط نظام پهلوی در ایران رخ داد شکل گیرد. این مسئله باید مورد توجه غرب قرار گیرد تا با حمایت از این انقلاب‌های مردمی، با شکل‌گیری حکومت‌هایی اسلامی و یا مثلاً تقویت جریان‌های رادیکال در کشورهای چون سوریه، رژیم‌های نزدیک‌تر از اسد به ایران به وجود نیاید و تحولاتی در خاورمیانه مانند آنچه پس از انقلاب اسلامی ایران رخ داد بروز ننماید.

عنوان: جنگ پنهانی ایران با اسرائیل در دریای خزر^۱
منبع: United Press International^۲

نویسنده در این مقاله می‌نویسد که هشدار یک ژنرال ارشد ایران به آذربایجان در مورد نزدیکی بیش از حد آن به اسرائیل گویای نگرانی ایران از آن است که دولت اسرائیل ممکن است از این همسایه شمالی ایران برای پیشدستی در وارد ساختن ضرباتی علیه برنامه اتمی آن استفاده کند. اسرائیل بی‌سروصدا با آذربایجان که کشوری نفت‌خیز و مسلمان‌نشین است، ارتباطات اطلاعاتی و نظامی برقرار ساخته است که پس از فروپاشی دو دهه پیش اتحاد جماهیر شوروی، دارای نظام سکولار متکی بر جدایی دین از سیاست بوده است. اسرائیلی‌ها ضمن فروش مقادیر قابل توجهی تسلیحات و هواپیماهای بدون خلبان به دولت باکو در دریای خزر به استقرار تشکیلات اطلاعاتی خود در مرز با ایران مشغول هستند. این اقدامات به اسرائیل برای زیر نظر گرفتن ایران و به‌خصوص برنامه اتمی‌اش - که اسرائیل آن را تهدیدی جدی علیه موجودیت خود می‌داند - امکان دسترسی به یک پایگاه عملیاتی را فراهم می‌کند. بنابراین انتقاد مقامات ایران از گسترش تعاملات آذربایجان با اسرائیل گویای گسترش دامنه جنگ اطلاعاتی اسرائیل با ایران است. ایران، جمهوری آذربایجان را به بدرفتاری با شیعیان متمایل به جمهوری اسلامی در جنوب آذربایجان و مجاز شناختن اسرائیل در دسترسی به قلمرو مرزی آذربایجان با ایران متهم ساخته است.

1. Iran's covert war with Israel in Caspian, United Press International, 17 August, 2011.

۲. از پایگاه‌های خبری با سابقه بین‌المللی است.



مناسبات میان ایران و آذربایجان در سال‌های اخیر توأم با تشنج بوده است که بیشتر به عملیات پنهانی ایران در آذربایجان نسبت داده می‌شود. آذربایجان در سال ۲۰۰۷، ۱۵ ایرانی را به اتهام جاسوسی برای ایران درباره منافع اسرائیل، آمریکا و بریتانیا، از جمله تأسیسات نفتی و توطئه برای کسب قدرت، مجرم شناخت. مقامات آذربایجان در سال ۲۰۰۸ همچنین با کمک موساد، توطئه‌ای را خنثی کردند که به ادعای نویسنده، برای منفجر ساختن سفارت اسرائیل در باکو تدارک دیده بودند. براساس این با توجه به حساسیت آذربایجان و ایران، هر دو کشور نسبت به گسترش تعاملات با اسرائیل توجه خاصی داشته‌اند به‌گونه‌ای که از یکسو ایران هشدارهای مکرری را در مورد روابط آذربایجان با اسرائیل مطرح کرده و ازسوی دیگر، آذربایجان نیز به افزایش روابط خود با اسرائیل پرداخته است به‌گونه‌ای که هم‌اکنون اسرائیل چهارمین طرف عمده در تجارت با آذربایجان است.

عنوان: ایران با حمایت از اسد، حیثیت منطقه‌ای خود را به خطر می‌اندازد^۱
نویسنده: جاناتان مانتورپ
منبع: Vancouver Sun^۲

نویسنده در مقاله خود در مورد تحولات سوریه می‌نویسد: عربستان سعودی، ایران و ترکیه، سه کشور مهم و بانفوذ منطقه خاورمیانه در قبال اعتراض‌های مردمی علیه حکومت بشار اسد موضع‌گیری کرده‌اند و بخش مهمی از اعتبار و نفوذ منطقه‌ای آنها به بر سر قدرت ماندن اسد و یا پیروزی جنبش اصلاحات در این کشور و وادار کردن وی به کناره‌گیری از قدرت بستگی خواهد داشت. نویسنده مقاله یادآوری می‌کند که حکومت بشار اسد از حمایت و پشتوانه جدی دولت ایران برخوردار است و ائتلاف سه دهه گذشته تهران با دمشق یکی از عوامل حیاتی و کلیدی این کشور برای کسب برتری بر عربستان سعودی در منطقه است. نویسنده معتقد است در شرایطی که حکومت ایران کماکان ابراز اطمینان می‌کنند که اسد می‌تواند اوضاع را کنترل کند، اما بسیاری از کارشناسان و دیپلمات‌های پیشین ایران نسبت به این امر ابراز تردید می‌کنند. در بخش دیگری از این مقاله آمده است ارتباطات ایران با حکومت اسد در دمشق برای حمایت جدی تهران از گروه ضداسرائیلی حزب‌الله در کشور همسایه لبنان بسیار حیاتی است. نویسنده می‌افزاید کمک‌های مالی و تسلیحاتی و سرمایه‌گذاری تهران برای حزب‌الله که هم‌اکنون در آستانه کنترل دولت لبنان است،

1. Jonathan Manthorpe, Iran Gambles Regional Prestige in Backing Syria's Assad Regime, Vancouver Sun, August, 2011.

۲. از نشریات کانادایی است.



برای تهران، در مقام فعال‌ترین دولت ضداسرائیلی در منطقه یک منبع عمده کسب اعتبار است. وی خاطرنشان می‌کند بسیاری از دانشگاهیان و دیپلمات‌های پیشین ایران معتقدند که ترکیه که ۸۵۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه دارد، در مقایسه با تهران نقش سیاسی ظریف‌تر و زیرکانه‌تری را ایفا می‌کند و احتمال دارد پس از بحران سوریه، دولت آنکارا از نفوذ منطقه‌ای بیشتری برخوردار شود. نویسنده می‌نویسد احتمال ائتلاف سی‌ساله بین ایرانیان در کشوری با اکثریت مسلمان و ملی‌گرایان عرب سوریه براساس دو استدلال عمده بسیار اندک است: ایران قلب مذهب شیعه است و حکومت اسد تحت تسلط شیعیان علوی سوریه است که حدود ۱۲ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در بخش دیگری از مقاله آمده است ائتلاف سیاسی بین تهران و دمشق در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ میلادی زمانی آغاز شد که سوریه تنها کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق از تهران حمایت کرد. بر پایه تحلیل نویسنده، این رابطه با حمایت مشترک دو کشور از حزب‌الله نزدیک‌تر شد و حکومت اسد همواره به‌عنوان کشوری قلمداد شده که طی سال‌های متمادی به‌طور مدام در سیاست لبنان مداخله کرده است. دولت اسد ادعا می‌کند که قیام مردم سوریه در سراسر کشور، توطئه عوامل خارجی است و آنها را سرکوب می‌کند. به همین علت انزجار و حس خصومت کشورهای منطقه نسبت به دمشق هر روز افزایش می‌یابد. این ظن در ایران قوت گرفته که اروپا و آمریکا، ترکیه را مسئول رسیدگی به مشکل سوریه کرده‌اند و احتمال دارد حتی وظیفه خلاصی از حکومت اسد را به آنکارا سپرده باشند، اما از سویی دیگر، صاحب‌نظران سیاسی ایران خاطرنشان کردند که زمان اصلاح در سوریه و بر سر قدرت ماندن اسد در این کشور سپری شده است.

نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌کند ثمره نهایی و احتمالی تحولات کنونی، سرنگونی حکومت اسد خواهد بود که به اعتبار و احترام ایران در منطقه و جهان ضربه وارد خواهد کرد.



عنوان: ایران چگونه اسد را در قدرت نگاه می‌دارد؟^۱

نویسنده: ژنیو عبده

منبع: Foreign Affairs^۲

نویسنده معتقد است ایران یکی از معدود متحدان باقیمانده برای بشار اسد است که درگیر در بحران ناشی از قیام مردم در سوریه است. آمریکا سال‌ها سعی کرده است ارتباطات این دو کشور را قطع کند، اما بحران جاری آنها را به هم نزدیک‌تر ساخته است. ایران، قیام مردم در سوریه را به وضوح یک توطئه آمریکایی توصیف کرده است. به نظر می‌رسد تمامی حکومت ایران، به‌رغم اختلاف در زمینه‌هایی دیگر، در مورد سوریه با هم اتفاق نظر دارند. سپاه پاسداران قیام مردم سوریه را توطئه خارجی قلمداد می‌کند و مجلس و رئیس‌جمهور و سایر ارکان نظام نیز در این مسئله همسو هستند. برای ایران، سوریه، خط مقدم جبهه علیه آمریکا و اسرائیل است. بدون ضمانت و وفاداری او، جبهه دوم، شامل حزب‌الله و حماس، از هم پاشیده می‌شود. بنا به محاسبات آمریکا، حزب‌الله و حماس سالیانه از ایران تدارکات و تسلیحاتی به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار دریافت می‌کنند که نقل و انتقال آنها از طریق سوریه انجام می‌گیرد. نویسنده ادعا می‌کند که ایران در مورد تحولات داخلی سوریه نیز با آن همدرد است زیرا قیام مردم سوریه را مشابه موج اعتراض‌هایی می‌بیند که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ ایران را فرا گرفته بود. مقامات ایران مدعی هستند اعتراض‌ها، یک تلاش مورد حمایت آمریکا برای تغییر رژیم بود. بنابراین نباید تعجب‌آور باشد که ایران برای نگه داشتن اسد در قدرت اقدامات عمده‌ای انجام داده باشد.

1. Geneive Abdo, "How Iran Keeps Assad in Power in Syria, Foreign Affairs," 25 August, 2011.

۲. از نشریات وابسته به شورای روابط خارجی آمریکا و معتبر در عرصه مناسبات بین‌المللی است.

عنوان: تلاش‌های آمریکا برای حمایت از دموکراسی در مصر بسیاری را ناراحت کرده است^۱

نویسنده: پال ریچر، جفری فلیشمن

منبع: Los Angeles Times^۲

۶ ماه پس از آنکه معترضان حسنی‌مبارک رئیس‌جمهور مصر را سرنگون کردند، تلاش‌های آمریکا برای ترویج اصلاحات دموکراتیک باعث ایجاد بحران‌های غیرقابل انتظار در روابط واشنگتن با یکی از نزدیک‌ترین هم‌پیمانانش در جهان عرب شده است. طرح دولت اوپاما در مورد اختصاص ۶۵ میلیون دلار در سال جاری جهت سازماندهی احزاب جدید سیاسی موجب واکنش شدیدی از طرف دولت نظامی موقت قاهره و احزاب اسلامی و حتی برخی از فعالان اصلاح‌طلب شده است. دولت نظامی، گروه‌هایی را که کمک‌های آمریکا را دریافت کرده‌اند به‌عنوان عوامل دولت‌های خارجی معرفی کرده و پشت پرده، برای ماه‌ها تلاش نموده که واشنگتن را متقاعد سازد به گروه‌های طرفدار دموکراسی بدون نظارت مستقیم قاهره، پولی پرداخت نشود.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نسبت به این نوع احساسات ضدآمریکایی که در بحث‌های عمومی مردم مصر به گوش می‌رسد هشدار داده است. همچنین توهین به آن پاترسون سفیر جدید آمریکا را غیرقابل قبول توصیف کرده است. یک مجله دولتی اخیراً پاترسون را سفیری از جهنم خطاب کرده است. دانیل کورترز سفیر سابق آمریکا در مصر در زمان زمامداری کلینتون گفته است که این بدان معناست که

1. Paul Richter and Jeffrey Fleishman, "U.S. pro-democracy effort rubs many in Egypt the wrong way", Los Angeles Times, 10 August, 2011.

۲. از روزنامه‌های تأثیرگذار غرب ایالات متحده است.



به‌طور کلی نفوذ ما در مصر در حال کاهش است. این درگیری‌ها بیانگر آن است که مصری‌ها در حسن نیت آمریکا مردد - اگرچه هنوز سالیانه ۱/۳ میلیارد دلار کمک‌های نظامی آمریکا را دریافت می‌کنند - هستند. این اختلافات نیز حکایت از مانورهای سیاسی بین شورای نظامی حاکم و اصلاح‌طلبان سیاسی قبل از برگزاری انتخابات ملی در پاییز امسال دارد. در این زمینه ژنرال صیاد العصار یکی از اعضای شورای عالی نیروهای مسلح در مؤسسه صلح واقع در واشنگتن گفته است که: ما کمک می‌خواهیم لکن خواهان دخالت نیستیم. براساس این، طبق نظرسنجی‌ای که توسط مؤسسه بین‌المللی زاگی در ماه ژوئیه انجام گرفت، میزان تأیید آمریکا توسط مصریان هم‌اکنون ۵ درصد است - یعنی هم‌اکنون از زمان زمامداری جرج بوش کمتر شده است - ارتش مصر که قدرتمندترین نهاد در مصر به‌شمار می‌رود، در سیاست خارجی‌اش اخیراً مستقل‌تر عمل می‌نماید. به‌عنوان مثال با دو دشمن اصلی آمریکا یعنی ایران و گروه افراطی فلسطینی حماس به ترمیم مناسباتش پرداخته است. علاوه‌بر آن دولت علائمی فرستاده که آمادگی دارد که ۱۷ میلیارد دلار کمک از طرف عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس را بپذیرد. این نشانه‌ای است که قاهره مایل به برقراری روابط نزدیک‌تری با همسایگان مستبد خود و آنهایی است که دمکراسی غربی را به ندرت پیاده می‌کنند.

طرفداران اصلاحات مصر درباره آنکه آیا باید کمک‌های آمریکا را پذیرفت با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. برخی از آنها پس از سه دهه حمایت آمریکا از مبارک، به این کمک‌ها خوشبین نیستند. برخی دیگر مایل هستند چارچوب جدید سیاسی مصر بدون دخالت خارجی ساخته شود و بسیاری دیگر حمایت آمریکا را آنچنان مهم

نمی‌پندارند. کلینتون در بهار گذشته جهت کمک به ثبات اقتصاد لرزان مصر، کنگره را متقاعد ساخت که وام یک میلیارد دلاری آن کشور به آمریکا را ببخشد. وی همچنین پرداخت مبلغ ۶۵ میلیون دلار از کمک‌های اقتصادی اختصاص یافته را برای برقراری دمکراسی از جمله سازماندهی احزاب سیاسی تغییر داد. همچنین ۱۰۰ میلیون دلار دیگر جهت شکوفایی اقتصادی مصر اختصاص یافت. دولت مصر از بخشش وام استقبال کرد، لکن از کمک به احزاب جدید سیاسی، خشمناک شد. علاوه‌بر آن از اینکه دولت اوباما کمک اقتصادی را به پروژه‌هایی که قاهره نمی‌تواند آنها را در کنترل داشته باشد، اختصاص داده، عصبانی گردید. تنها ۴۰ میلیون دلار از مجموع ۱۶۵ میلیون دلار توزیع شده است. مصر همچنین دریافت کمک ۳ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول و یک میلیارد دلار بانک جهانی را به دلیل آنکه با الزامات انجام اصلاحات اقتصادی و شفافیت همراه بود، رد کرد. برخی از جمهوریخواهان اعلام کرده‌اند در صورتی‌که اخوان‌المسلمین که یک گروه سیاسی اسلامی است و در زمان زمامداری مبارک از فعالیت منع شده بود، در دولت نقشی داشته باشد - که احتمالاً هم خواهد داشت - کمک نظامی آمریکا باید قطع گردد. علاوه‌بر آن سناتور جان کری که ریاست کمیته روابط خارجی سنا را برعهده دارد گفت مایل است بخش زیادتری از کمک نظامی به پروژه‌های اقتصادی اختصاص یابد. این توصیه مقامات مصری را نگران ساخته است. یکی از مقامات عالی‌رتبه دولت آمریکا بر این باور است که مناسبات بین دو کشور سیال است، ولی اولویت آمریکا مشخص است، آمریکا باید آنچه که می‌تواند انجام دهد تا این گذار دمکراتیک در مصر انجام پذیرد، زیرا مصر هم‌اکنون مسئله اصلی آمریکا در خاورمیانه است.



عنوان: آمریکای لاتین؛ سکوی پرش ایران به حیات خلوت آمریکا^۱

نویسنده: مایکل سگال

منبع: Jerusalem Center for Public Affairs^۲

پس از پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران با عزمی راسخ تصمیم گرفت تا در میان کشورهای آمریکای لاتین - در واقع همان حیات خلوت آمریکا - پایگاهی برای خود به دست آورد. متحدان رئیس‌جمهور ایران در پیشبرد این سیاست رؤسای جمهور ونزوئلا و بولیوی هستند که در واقع به مثابه سکوی پرتابی برای گسترش فعالیت ایران در آمریکای لاتین تبدیل گشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا از گسترش روابط و منافع مشترک خود با کشورهای آمریکای لاتین برای چیدن همان مهره‌های آشنا در بازی شطرنج خاورمیانه و آفریقا بهره‌برداری نماید. این «مهره‌ها» مواردی همچون اقدامات خرابکارانه و تبلیغاتی و افزایش توان نظامی دوربرد را شامل می‌گردند. طبق گزارشات موجود، جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا پایگاه موشکی در ونزوئلا، یعنی دقیقاً در زیر گوش «شیطان بزرگ» احداث نماید. همچنین دولتمردان ایران و عناصر وابسته به آنها در منطقه با هدف صدور انقلاب اسلامی و اساساً معرفی و تبلیغ اسلام شیعی حتی تا مرز تغییر دین اقشار مختلف مردم این قاره و گرایش به مذهب شیعه در فعالیت‌های گسترده اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشارکت دارند.

1. Michael Segall, Latin America: Iran's Springboard to America's Backyard, Jerusalem Center for Public Affairs, June, 2011.

۲. از مراکز صهیونیستی که به پژوهش حوزه مسائل منطقه خاورمیانه می‌پردازد.

زیرساخت‌های ایران در آمریکای لاتین در وقت نیاز می‌توانند به تهران کمک نمایند تا علیه ایالات متحده آمریکا یا منافع غرب در آمریکای لاتین در سناریوهای مختلف به کار گرفته شوند: اگر تأسیسات هسته‌ای ایران مورد حمله اسرائیل و یا آمریکا قرار گیرد، یا اگر حس انزوا و محاصره در محافل مختلف ایران تشدید گردد، مطمئناً تهران تلاش خواهد کرد تا شاید بحران دیگری را مشابه با مدل بحران موشکی کوبا علیه واشنگتن برنامه‌ریزی نماید. ضمناً، ایران از نزدیکی جغرافیایی ونزوئلا به ایالات متحده آمریکا برای نفوذ غیرقانونی به خاک این کشور (از طریق مکزیک) و نیز آماده شدن برای عملیات ترور و خرابکاری استفاده خواهد کرد. زیرساخت‌هایی که تهران در حال احداث آنهاست - البته برخی از آنها قبلاً عملیاتی شده‌اند، اما برخی دیگر هنوز در دست ساخت می‌باشند - کاربرد دومنظوره خواهند داشت، زیرا چنانچه ایران موفق شود به تسلیحات هسته‌ای دست یابد، یقیناً از این زیرساخت‌ها تحت پوشش چتر هسته‌ای خود بهره‌برداری می‌کند.

به‌طور کلی، سرمایه‌گذاری کلان و بی‌وقفه در روابط با کشورهای آمریکای لاتین بخشی از راهبرد ایران است که دو هدف را دنبال می‌کند:

الف) کسب پایگاهی برای نفوذ به آفریقا و خاورمیانه که به اعتقاد تهران، ساکنان این مناطق از «نظام سرمایه‌داری و استثمار ایالات متحده آمریکا» لطمه خورده‌اند،
ب) تبلیغ یک رویکرد اسلامی «عادلانه» برای رسیدگی به جرائم فرضی آمریکا، از این منظر، جمهوری اسلامی ایران شبکه گسترده روابط دیپلماتیک، انرژی، اقتصادی - بازرگانی (به‌عنوان ابزار اصلی جلب حمایت کشورها) و مالی (از جمله تأسیس بانک مشترک برای دور زدن تحریم‌ها) را با کشورهای منطقه آمریکای لاتین حفظ می‌کند و این



درحالی است که در حوزه صنعت، احداث نیروگاه، عقد قراردادهای کلان مخابراتی و... سطح همکاری خود با آنها را ارتقا می‌بخشد. جمهوری اسلامی ایران روز ۲۷ فوریه ۲۰۰۷ «اولین کنفرانس بین‌المللی را با موضوع آمریکای جنوبی: نقش و جایگاه آمریکای جنوبی در نظم نوین جهانی» و در دسامبر ۲۰۰۸ اولین نمایشگاه تخصصی با موضوع توسعه همکاری اقتصادی ایران و آمریکای لاتین را برگزار کرد. احمدی‌نژاد در خلال سخنرانی خود در شصت و پنجمین جلسه سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۰ اظهار داشت: «دو منطقه بزرگ جغرافیایی یعنی آفریقا و آمریکای لاتین ظرف چند دهه گذشته به تحولات تاریخی مهمی دست یافته‌اند. آگاهی و بینش رهبران این دو قاره مشکلات و بحران‌های منطقه‌ای را بدون دخالت مستبدانه قدرت‌های غیرمنطقه‌ای مرتفع ساختند. در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با آمریکای لاتین و آفریقا در ابعاد مختلف گسترش داده است». در اکتبر ۲۰۱۰، رؤسای جمهور ونزوئلا و بولیوی (همان‌گونه که در بالا اشاره شد) به ایران سفر کردند.

ایران «مهره‌های شطرنج» خود را می‌چیند

گسترش روابط و منافع مشترک ایران با کشورهای آمریکای لاتین را در راستای چیدن همان مهره‌های آشنای بازی شطرنج در خاورمیانه و آفریقا ارزیابی می‌شود. این «مهره‌ها» مواردی همچون اقدامات خرابکارانه و تبلیغاتی (اشاعه اسلام شیعی) و اقدامات تروریستی را شامل می‌گردند. با توجه به گزارشات تأیید نشده روزنامه آلمانی، جمهوری اسلامی ایران با کمک قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران درحال ساخت یک پایگاه موشکی میان‌برد در ونزوئلاست؛ این درحالی است که تهران با کاراکاس در ساخت موشک‌های سطح به سطح همکاری می‌نماید. این روزنامه آلمانی

ادعا می‌کند که براساس توافق فیما بین موشک‌های شهاب - ۳ (با برد ۱۳۰۰-۱۵۰۰ کیلومتر)، اسکاد - بی (۲۸۵-۳۳۰ کیلومتر) و اسکاد - سی (۳۰۰، ۵۰۰ و ۷۰۰ کیلومتر) ایران در پایگاهی استقرار می‌یابند که در حقیقت زیر گوش «شیطان بزرگ» است. جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا بخشی از نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا در میان کشورهای آمریکای لاتین را کاهش دهد و قدرت کشورهای تحت حمایت واشنگتن را تضعیف نماید (نظیر کلمبیا) و با ارائه بسته‌های تشویقی و وعده کمک‌های اقتصادی (که همیشه نیز تحقق نمی‌یابد) حمایت آنها را از سیاست‌های تهران به دست آورد. ضمناً ایران به دنبال آن است تا کشورهای آمریکای لاتین را برای اجرای دستور کار ضداسرائیلی با خود همراه سازد.

پایگاه‌های جذب نیرو و پشتیبانی

در سراسر منطقه آمریکای لاتین حدود ۴/۵ تا ۶ میلیون نفر مسلمان زندگی می‌کنند که اکثریت آنها سنی بوده و شیعیان در اقلیت هستند. در میان این جمعیت مسلمان دو گروه مهم هستند: گروهی که اصالتاً هندی، اندونزیایی و پاکستانی‌تبار هستند و گروه دیگر نیز متشکل از مسلمانانی است که اصالت سوری، لبنانی و فلسطینی دارند و قرن نوزدهم و بیستم به این منطقه مهاجرت کردند. نقاط مسلمان‌نشین با تأکید بر حضور شیعیان پایگاه مناسبی برای جذب نیروی دلخواه ایران است هم از لحاظ پیشبرد اهداف انقلابی و هم از حیث کمک به عوامل ترور در منطقه به نمایندگی از ایران.

دولتمردان ایران و عناصر وابسته به آنها در منطقه با هدف صدور انقلاب اسلامی و اساساً معرفی و تبلیغ اسلام شیعی حتی تا مرز تغییر دین اقشار مختلف مردم این قاره و گرایش به مذهب شیعه در فعالیت‌های گسترده اجتماعی، فرهنگی و مذهبی



مشارکت دارند. تبلیغ دین اسلام از مجرای سازمان اهل بیت انجام می‌پذیرد که مأموریت آن تبلیغ مذهب شیعه در سراسر جهان و یا سایر مراکز شیعه در آمریکای لاتین است. سازمان اهل‌بیت پایگاه اینترنتی به زبان اسپانیولی دارد که مخاطبان آمریکای لاتین را هدف می‌گیرد. عناصر محلی که جذب این گروه می‌شوند برای آموختن تعالیم دینی عازم ایران تا در آنجا به تحصیل مطالعات دینی و آموزش نظامی پرداخته و پس از تکمیل دوره به کشور خود باز گردند. آنها ارتباط خود با عناصر ایران و حزب‌الله که در کشورشان فعالیت می‌کنند را حفظ کرده و به‌عنوان بازوی عملیاتی سیاست ایران (در مساجد، ساختارهای اجتماعی و...) عمل می‌کنند. به‌علاوه، جمهوری اسلامی ایران تقویت همکاری در زمینه ارتباطات جمعی و نیز برقراری ارتباط با ساکنان آمریکای لاتین به زبان بومی آنها را در دستور کار قرار داده است. برای مثال، مشاور احمدی‌نژاد در امور رسانه یادداشت تفاهمی را با خبرگزاری ونزوئلا برای تقویت همکاری درخصوص تبادل اخبار و تصاویر امضا کرد.

سیاست‌ها از قبل طرح‌ریزی شده‌اند

ایالات متحده آمریکا از نقش فزاینده ایران در منطقه آمریکای لاتین کاملاً اطلاع دارد. در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از عوامل اطلاعاتی، وزارت امور خارجه، ارتش، سازمان مبارزه با مواد مخدر و دیگر نهادها در مورد این روند و تأثیر منفی آن در کوتاه، میان و بلندمدت بر شهروندان آمریکا و متحدانش در آمریکای لاتین هشدار داده‌اند.

ژنرال داگلاس فریزر، رئیس ستاد فرماندهی آمریکا در منطقه آمریکای جنوبی روز ۵ آوریل چندین سند جدید درخصوص فعالیت ایران در این منطقه به کمیته نیروهای مسلح سنا تقدیم کرد:

جمهوری اسلامی ایران در راستای پشتیبانی از اهداف سیاسی خود نظیر کاهش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی مرتبط با برنامه هسته‌ای همچنان به گسترش روابط منطقه‌ای ادامه می‌دهد. هرچند حضور ایران در ونزوئلا و بولیوی پررنگ‌تر بوده است، اما تعداد سفارت ایران در آمریکای لاتین در مقایسه با دهه گذشته تقریباً دو برابر شده است و سال ۲۰۱۰ نیز از سه رئیس دولت این منطقه در تهران میزبانی کرده است. درحال حاضر، به‌نظر می‌رسد که روابط ایران با ونزوئلا بر پایه منافع مشترک استوار است: اجتناب از انزوای بین‌المللی، دسترسی به فناوری نظامی و نفتی، کاهش نفوذ آمریکا... علاوه‌بر بازیگران دولتی فرامنطقه‌ای، اعضای سازمان‌های افراطی خشونت‌طلب خاورمیانه در آمریکای لاتین و دریای کارائیب همچنان فعالیت می‌کنند و تهدیدی بالقوه به‌شمار می‌روند. حامیان حزب‌الله برای اجرای سیاست‌های بین‌المللی همچنان سرمایه خود را در این منطقه افزایش می‌دهند.

ترس فزاینده آمریکا درخصوص افزایش فعالیت ایران در حیاط خلوت کاخ سفید در دوران ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش در سایه تشدید اختلافات ایران و آمریکا در بحران هسته‌ای و اعمال تحریم‌های مختلف هویدا گشت. هرچه اثربخشی تحریم‌ها به درازا می‌کشید؛ ایران به نحو مؤثرتری با آنها مقابله می‌کرد - هم با یافتن راهکارهای جدید برای دور زدن تحریم‌ها و هم از طریق دستیابی به توانمندی‌های لازم برای اتخاذ واکنش مناسب در صورت حمله به ایران یا مقابله با این احساس که محاصره اقتصادی و سیاسی روز به‌روز تنگ‌تر می‌شود. جمهوری اسلامی ایران قصد دارد تا به راهکارهای مناسبی برای مقابله به مثل با واشنگتن دست پیدا کند، پس مطمئن باشید که تهران در استفاده از آنها لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد.



اولویت‌های اطلاعاتی

اطلاع کامل واشنگتن از جدیت تهدید ایران در منطقه آمریکای لاتین از طریق تلگرامی قابل اثبات است که پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس آن را منتشر ساخت و هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا آن را اوایل سال ۲۰۰۹ برای کلیه سفرای کاخ سفید در منطقه آمریکای لاتین فرستاده بود. در این تلگرام آمده است که ایران قصد دارد تا روابط خود با کشورهای آمریکای لاتین را با هدف خارج شدن از انزوای سیاسی فزاینده تقویت نماید و اینکه تهران کشورهای چپ‌گرای آمریکای لاتین را متحدان خود در سیاست ضدآمریکایی می‌داند. این تلگرام همچنین اذعان می‌دارد که احمدی‌نژاد عامل اصلی پشت پرده این سیاست است و یکی از همکاران او که «درهای بسته» سایر کشورهای آمریکای لاتین را بر روی جمهوری اسلامی ایران باز می‌کند هوگو چاوز است و خاطرنشان می‌سازد که گسترش روابط با ونزوئلا در واقع تأکیدی بر همکاری نظامی خواهد بود. با استناد به این تلگرام، همکاری تهران و کاراکاس خطری فوری و محسوس است. در این رابطه، کلینتون همچنین به آزادی عمل حزب‌الله در افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و انجام فعالیت‌های مورد نظر اشاره می‌کند و این حقیقت که اعضای حزب‌الله، ونزوئلا را پناهگاه امنی می‌دانند که از طریق آن می‌توانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند. این تلگرام همچنین خاطرنشان می‌سازد که ایران در ۱۶ کشور آمریکای لاتین مراکز فرهنگی تأسیس نموده، درحالی که همزمان به ۱۰ کشور دیگر سفیر فرستاده است.

به‌علاوه، این تلگرام سؤالات متعددی (با عنوان به معنای نیازهای اولویت اطلاعاتی شناخته می‌شوند) را از وزارت امور خارجه گرفته تا سفارتخانه‌های آمریکا

و کارشناسان بین‌سازمانی در حوزه مسائل ایران به ذهن متبادر می‌سازد. این تلگرام، شاید بیش از سایر اسناد، بر نگرانی فزاینده واشنگتن از فعالیت‌های ایران و ظهور تهدید قریب‌الوقوع در آمریکای لاتین و تمایل کاخ سفید به ترسیم جزئیات آن صحنه می‌گذارد. باید خاطرنشان کرد که تأکید تلگرام فوق بر این موضوعات خود بیانگر آن است که سازمان‌های مختلف اطلاعاتی و اجرایی تا به حال انبوهی از اطلاعات مربوط به اقدامات ایران را گردآوری کرده‌اند.

عمده نگرانی دستگاه حاکم ایالات متحده آمریکا به شرح زیر است: دامنه فعالیت‌های ایران در آمریکای لاتین تا کجا پیش می‌رود؟ ایران و متحدانش در منطقه تا چه اندازه علیه آمریکا و متحدانش توطئه می‌کنند و کدام کشور در پشت پرده این مسائل قرار دارد، آنها را طرح‌ریزی کرده و به اجرا در می‌آورد (نهادهای ذینفع احتمالاً شامل وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران خواهند بود)؟ این فعالیت‌ها چگونه هماهنگ خواهند شد؟ ایران نفوذ فرهنگی - مذهبی خود را چگونه در منطقه افزایش خواهد داد؟ نقش شیعیان در این فعالیت‌ها چیست؟ تعداد شیعیان مسلمان که گروه‌های وابسته به حزب‌الله را تشکیل می‌دهند، چقدر است؟ هیئت‌های دیپلماتیک ایران در منطقه چگونه عمل می‌کنند؟



عنوان: وزیر خارجه روسیه به آمریکا سفر می‌کند، اما مشکلات همچنان پنهان هستند^۱

نویسنده: رابرت نیکلسون

منبع: Heritage Foundation^۲

نویسنده در این تحلیل معتقد است که ارائه طرح گام به گام روسیه درباره برنامه هسته‌ای ایران ناشی از اختلاف عمیق منافع دو کشور در ایران است. در واقع این طرح نشان‌دهنده آن است که موضوع ایران به یک منبع جدید تنش بین دو کشور تبدیل شده است.

نویسنده بر این باور است که تنظیم سیاست درباره ایران تبدیل به یک منبع تنش دیگر - علاوه بر موضوع سپر دفاع موشکی و حقوق بشر - در روابط آمریکا و روسیه شده است. وی ادامه می‌دهد: لاوروف روز ۱۱ ژوئیه یک طرح گام به گام ارائه کرد که ایران را از طریق تعدیل تدریجی تحریم‌ها تشویق به رفع نگرانی‌های جامعه بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای‌اش می‌کند. این طرح پیشنهاد می‌کند به‌ازای هر یک گام ایران برای همکاری با آژانس یک واحد از تحریم‌ها کاسته شود. هیلاری کلینتون این ایده را رد نکرده و وعده داده که تیمی از کارشناسان آمریکایی را برای بررسی آن به مسکو خواهد فرستاد. نویسنده در ادامه می‌نویسد «همانطور که آریل کوهن تحلیلگر بنیاد هریتیج سال گذشته در تحلیلی نشان داد که سیاست روسیه درباره ایران یک تهدید واقعی برای آمریکا خواهد بود. این مسئله را به‌ویژه زمانی که منافع روسیه در ایران

1. Robert Nicholson, Russian Foreign Minister Visits U.S., but Troubles Remain Hidden, Heritage Foundation, 15 July, 2011.

۲. بنیاد هریتیج از نهادهای پژوهشی وابسته به نئومحافظه‌کاران آمریکاست.

تا حد زیادی با منافع آمریکا اختلاف دارد را باید به‌عنوان یک واقعیت پذیرفت. بنابراین اواما باید درک کند در شرایطی که روسیه منافع زیادی در ایران دارد، تنها کمک‌های اندکی به آمریکا برای حل مشکل ایران خواهد کرد. براین اساس، این طرح نشان می‌دهد روسیه پس از رأی به تحریم ایران در شورای امنیت، اکنون درصدد کاهش این تحریم‌هاست.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۵۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۴۴)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمودهاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۴